

تحولات قصیده و پیدایش شعر آزاد در عربی و فارسی

بسام علی رباعه^۱

تحولات قصیده عربی

تاریخ نخستین اشعار عربی به پیش از ظهور اسلام باز می‌گردد که در شرح پیدایش و پیشینه آن سخن بسیار رفته است؛ اما هدف ما پرداختن به این موضوع نیست، بل که تنها نگاهی گذرا به چند دیدگاه می‌افکنیم و از این موضوع در می‌گذریم؛ برخی عرب‌ها در بیان این پیشینه مبالغه کرده و گفته‌اند که شعری سروده آدم (ع) در دست است و بعضی دیگر شعری به اسماعیل (ع) نسبت داده‌اند؛^۲ روی هم رفته می‌توان گفت دوره جاهلیت که هنوز ناشناخته است، در نوشته‌های مورخان عرب به عنوان سست‌ترین دوره تاریخی به شمار می‌رود.^۳

به طور کلی عصر جاهلی به دو دوره تقسیم می‌شود: دوره اول از آغاز تاریخ تا سده پنجم میلادی و دوره دوم از قرن پنجم میلادی تا ظهور اسلام؛ و شعر به دست آمده متعلق به دوره دوم است. به دوره اول، دوره ماقبل تاریخ می‌گویند که به سبب نبودن آثار کافی، قابل بحث و بررسی نیست، زیرا چیزی قطعی از این دوره به ما نرسیده است. اما

۱. عضو هیأت علمی گروه زبان‌های سامی و شرقی دانشگاه بزموک اردن.

۲. ← مسعودی، مروج الذهب، ۱ / ۶۵، و ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ۱۳ / ۱۰۴.

۳. ← جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ۱ / ۴۲، و عفت شرفاوی، دروس و نصوص فی قضا یا

الادب الجاهلی، ص ۳۰.

دوره دوم با مهلهل بن ربیع و امرؤ القیس شروع می شود^۱ که هر دو آغازگر قصیده عربی هستند؛ جالب آن که به گفته جاحظ «عمر شعر عربی بیش از ۱۵۰ تا ۲۰۰ سال قبل از اسلام نیست»^۲.

اگرچه اولین شعر عرب مربوط به دوره جاهلی است، ولی بی گمان قبل از این دوره هم شعری بوده است.^۳ اما آنچه در دست است از دقت و کمال برخوردار، و دارای وزن و قافیه است.

درباره نخستین اشعار عربی باید گفت این شعرها نیز دارای شکلی ساده بوده، و به صورت بیت‌ها و قطعه‌ها ظهور کرده است، با این حال به احتمال زیاد آغاز این شعر، ریشه در عبارت‌های مسجع و ضرب‌المثل‌ها دارد.^۴ گویا نخستین ساختار شعر عربی مسجع بوده که در قالب ترانه و «حدی»^۵ روی نموده است؛^۶ زیرا شعر عربی شعری است غنایی که به نظم کشیده می شود تا به صورت آواز و ترانه خوانده شود. مسجع هم برگرفته از آواز کبوتران است که در طول زمان تغییر یافت و به صورت رجز که از وزن و قافیه برخوردار است، درآمد. برخی ناقدان عرب مانند عزالدین اسماعیل معتقدند که رجز نخستین شکل شعر بوده است.^۷ شاید از همین روی بعضی خاورشناسان، همچون بروکلیمان، معتقدند که میان رجز و حرکت شتران ارتباط وجود دارد.^۸

مهلهل را که اولین آثار بر جای مانده از عصر جاهلی متعلق به اوست^۹ می توان پدر قصیده سنتی نامید.

در قصیده سنتی و کلاسیک، پایه و رکن اساسی بیت است و هر بیت، از دو مصراع و

۱. محمد بن سلام جمحی، طبقات فحول الشعراء، ص ۱۳؛ ناصرالدین اسد، مصادر الشعر الجاهلی، ص ۳۵۵.

۲. جاحظ، الحيوان، ۱ / ۷۴؛ شوقی ضیف، العصر الجاهلی، ص ۳۸.

۳. ناصرالدین اسد، مصادر الشعر الجاهلی، ص ۲۸۹؛ طه حسین، المجموعة الكاملة، ۱۶ / ۳۹۷.

۴. محمد بن سلام جمحی، طبقات فحول الشعراء، ص ۱۱.

۵. نوعی آوازخوانی نزد عرب‌ها که برای به جنبش واداشتن شتران به کار می‌رفت.

۶. حنا الفاخوری، الجامع فی تاریخ الادب العربی، ص ۱۳۲.

۷. عزالدین اسماعیل، المکنونات الاولی للثقافة العربیة، ص ۳۲.

۸. کارل بروکلیمان، تاریخ الادب العربی، ۱ / ۵؛ جیمز مونرو، النظم الشفوی فی شعر ما قبل الاسلام، ص ۹.

۹. محمد بن سلام جمحی، طبقات فحول الشعراء، ص ۱۳؛ ابن رشیق قیروانی، العمدة، ۱ / ۵۴.

هر مصراع از چندین رکن عروضی تشکیل می‌شود و خواهیم دید که شعر آزاد بر ضد این پایه و رکن اساسی شورید. شایان ذکر است که شعر آزاد نخستین قیام در برابر قصیده سنتی نبود، بل که حرکت آغازین در این زمینه از حیث مضمون بود، نه ساختار و شکل. چنان که می‌دانیم قصیده سنتی از سه قسمت تشبیب و نسیب و تغزل، ذکر سفر و مشقت‌های آن، و غرض اصلی که غالباً مدح است، تشکیل می‌شود. در این باره ابن رشیق می‌گوید: «در زمان گذشته آن‌ها چادر نشین بودند و از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر کوچ می‌کردند، لذا شعرهای آن‌ها با ذکر دیار و سرزمین محبوب و ذکر ربیع و اطلال و دمن آغاز می‌گردد.»^۱

این سنت و عادت از زمان امرؤالقیس تا اوایل عصر عباسی بر قصیده سنتی حکمفرما بود. و به عبارت دیگر قصیده کلاسیک از دوره جاهلی تا دوره امویان دارای همان ساختار و ویژگی‌های نخستین بود. در اواخر دوره اموی برخی از شاعران عرب، مقدمه غزلی را که جزئی از قصیده سنتی بود، به عنوان گونه‌ای از شعر مستقل مطرح کردند و این خود پیشینه‌ای شد در جهت برانگیختن شاعران عصر عباسی برای قیام بر ضد شیوه‌های سنتی قصیده‌سرایی. آغاز این حرکات در اوایل عصر عباسی و از سوی شاعرانی همچون بشار بن برد، ابونواس، مسلم بن ولید و ابوتمام صورت گرفت.^۲ اما این قیام بر ضد مضمون قصیده کلاسیک و نه ساختار آن صورت گرفت؛ زیرا برخی از شاعران عرب، دیگر از تکرار یادکرد ویرانه‌های سرزمین محبوب و ربیع و اطلال و دمن ملول گشته بودند.^۳

بشار بن برد به عنوان رهبر نوپدیدان (قائد المحدثین) و پیشاهنگ نوخاستگان (اول المولدين) به شمار می‌رود. ابوتمام نیز شیفته نوآوری و شکستن همه سنت‌ها بود،^۴ سنت‌هایی که برخی از ناقدان آن را «عمود الشعر العربی» می‌نامند. هم‌زمان با نخستین انقلاب بر ضد قصیده سنتی، که چندان توفیقی هم نیافت،^۵

۱. ابن رشیق قیروانی، العمدة، ۱ / ۲۲۶؛ و نیز ← ابن قتیبه، الشعر و الشعراء، ۱ / ۷۴.

۲. محمد الاعرجی، الصراع بین القديم و الجدید، ص ۸۸؛ طه حسین، حدیث الاربعاء، ۳ / ۲۸.

۳. محمد حمود، الحدائق فی الشعر العربی المعاصر، ص ۶۵۶.

۴. ادونیس، پیش‌درآمدی بر شعر عربی، ترجمه کاظم برگ‌نسی، صص ۳۷، ۳۸.

۵. حنا الفاخوری، الجامع فی تاریخ الادب العربی، صص ۶۷۷، ۷۲۵؛ ثوفی ضیف، العصر العباسی الاول، ص ۱۹۳.

انقلاب مهم دیگری نیز در اندلس با عنوان «الموشح»، توسط محمد قبری نابینا صورت گرفت.

دوره عباسیان تا سال ۶۵۶ق / ۱۲۵۸م استمرار یافت که در این سال حمله مغول به بغداد روی داد و حکومت عباسیان سقوط کرد. پس از آن، شعر عربی به مرحله رکود، انحطاط و ضعف رسید. این مرحله تا اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی استمرار یافت که در واقع سست‌ترین دوره شعر عربی به شمار می‌آید و به همین سبب «دوره انحطاط» نامیده می‌شود. در این دوره، قصیده عربی از لحاظ شکل، پیشرفت زیادی کرد و شکل‌های جدیدی مانند «الکان و کان»، «الموالیا»، «الزجل» و «قوما»^۱ پدیدار گشت که این زبان عامیانه به ویژه در الموشح و الدویبت به کار رفت.^۲

پس از دوره رکود شعر عربی، به عصر نهضت و بیداری که با حمله ناپلئون در سال ۱۷۹۸م به مصر شروع می‌شود، می‌رسیم و می‌دانیم که مصر به احیا و پیشرفت قصیده سنتی کمک شایانی کرد. از سردمداران این حرکت، محمود سامی بارودی (د: ۱۹۰۴م) بود که تلاش کرد تا قصیده عربی را به شکل نخستین آن بازگرداند^۳ و به آن رونق بخشد و در این مسیر از شاعران دوره‌های گذشته تقلید می‌کرد. او نخستین شاعری بود که توانست عمود شعر عربی را در دوره معاصر تجدید و احیا کند. این احیا و تجدید ادبی، به «مکتب بازگشت» در شعر فارسی شباهت دارد و به همین سبب آن را «بازگشت ادبی» می‌نامیم.

آری، بارودی در تجدید و احیای قصیده کلاسیک عربی، نقش مهمی را ایفا کرد و تا حد زیادی نیز موفق بود و به یقین می‌توان گفت که جنبش و حرکت احیای شعر عربی، مقدمه‌ای طبیعی برای جنبش‌های تجدید در شعر عربی شمرده می‌شود. عملکرد بارودی در احیای شعر عربی و قصیده کلاسیک نقشی برجسته و مهم بود، اگر چه در چارچوب تقلید باقی ماند. اما اگر از زاویه دیگری به عملکرد بارودی بنگریم،

۱. برای این انواع شعر - ادونیس، پیش‌درآمدی بر شعر عربی، ص ۷۴؛ محمد عبدالمنعم خفاجی، الابد الاندلسی، ص ۳۹۹.

۲. ادونیس، دیوان الشعر العربی، ۳ / ص «ک»؛ نازی الملائکه، قضا یا الشعر المعاصر، ص ۱۹۷.

۳. شفیعی کدکنی، شعر معاصر عرب، ص ۴۵؛ طه حسین، المجموعة الكاملة، ۱۶ / ۳۵۷، ۴۴۱، ۴۴۶.

به این نتیجه می‌رسیم که روش او مانع رسیدن به قصیده و شعر آزاد گشت؛ گزاف نخواهد بود اگر بگوییم که وی، پیدایش شعر آزاد عربی را با این عملکرد خود به تعویق انداخت. در حالی که شایسته بود کار طرفداران موشح را ادامه می‌داد و شعر عربی را از قید و بند وزن و قافیه‌رهایی می‌بخشید.

خلیل مطران در اوایل سده بیستم میلادی نارضایتی خود را از قید و بندهای وزن و قافیه در قصیده عربی ابراز کرد. او برای تغییر شکل قصیده کلاسیک بسیار کوشید و در همایشی، که در ۱۹۰۸م در دانشگاه امریکایی بیروت برگزار شد، سرایندگان را به نوسازی شعر عربی و شکستن قیدهای وزن و قافیه فرا خواند. این جمله از اوست: «دلیل این که ما شعر حماسی و نمایشی نداریم این است که التزام به قافیه در هر بیت، مانع هر سعی و تلاشی برای پیشرفت قصیده عربی است.»^۱ شاعران دیگری نیز با او موافق بودند، از آن جمله نازک‌الملائکه و میخائیل نعیمه که هر دو به ضرورت شکستن قیدهای شعر معتقد بودند، اما در چگونگی این امر با یکدیگر اختلاف داشتند. میخائیل نعیمه به شکستن قافیه معتقد بود اما وزن را ضروری می‌دانست،^۲ در حالی که نازک‌الملائکه معتقد به شکستن هر دو بود.^۳

در حقیقت خلیل مطران، نقشی بس ارزنده در پیشرفت قصیده عربی داشت. او که وجود وزن و قافیه را ضروری نمی‌دانست، ضمن سرودن اشعار حماسی، به شکل‌های جدید شعری نیز توجه خاصی مبذول می‌داشت که در دیوان الخلیل قابل دسترسی است.^۴ اما دعوت مطران در چهارچوبی محدود باقی ماند و گسترش و انتشار پیدا نکرد؛ و شاید به سبب مسیحی بودن شاعر، ره به جایی نبرد و بی‌نتیجه ماند. محمد عبدالمنعم خفاجی اعتقاد داشت که اصل دعوت به شعر آزاد به برخی از ناقدان معاصر مانند خلیل مطران و احمد زکی ابوشادی برمی‌گردد.^۵

ادامه این حرکت را در شعر منثور امین ریحانی می‌یابیم که آن را تحت تأثیر شاعر

۱. خلیل مطران، دیوان الخلیل، ۲ / ۹۹؛ - امیل بدیع یعقوب، المعجم المفصل فی اللغة الادب، ۲ / ۱۱۹۲.

۲. میخائیل نعیمه، المجموعة الكاملة، ۳ / ۴۰۲.

۳. نازک‌الملائکه، الديوان، ۲ / ۸، ۱۷ و ۱۸.

۴. - خلیل مطران، دیوان الخلیل، ۲ / ۱۸۱، ۴۱۲، ۴۷۰، ۳ / ۴۹۲ و ۵۱۳.

۵. سالم معوش، الادب العربی الحدیث، ص ۶۴۹.

آمریکایی، والت ویتمن میان سال‌های ۱۰ - ۱۹۰۴ م سروده؛ و همچنین کسانی چون محمود امین‌العالم، محمود حسن اسماعیل و جمیل صدقی الزهاوی که از قید و بندهای قافیه شکایت داشته و شاعران را به شکستن این بندها فراخواندند.^۱ یوسف عزالدین برخلاف خفاجی، پیدایش حرکت شعر آزاد را از زهاوی می‌داند.^۲

شایسته است که در اینجا به جبران خلیل جبران نیز اشاره‌ای کنیم. او به نوپردازی در شعر عربی ایمان داشت و توانست با هوش خویش بر مشهورترین و برجسته‌ترین گروه‌های ادبی معاصر خود یعنی «مکتب الادیوان» و «شاعران مهجر» تأثیر گذارد.^۳ این دو گروه در نوسازی شعر عربی سهمی بسزا و نقشی مهم را بر عهده داشتند. «علی احمد باکثیر» نقشی برجسته در تحولات قصیده عربی به ویژه در پیدایش نهضت شعر آزاد داشت. برخی از ناقدان عرب، او را پیشاهنگ و بنیان‌گذار شعر آزاد می‌دانند^۴ و معتقدند که وی پیش از نازک الملائکه و بدر شاکر السیاب با ترجمه نمایشنامه شکسپیر - رومئو و ژولیت - شعر آزاد را ناآگاهانه تجربه کرد و بحر متقارب را مقهور خویش ساخت و با «فعلول» آزادانه برخورد کرد. البته تلاش‌های علی احمد باکثیر و همچنین «لویس عوض» که گام به آوردگاه نبرد نوپردازی نهاده بودند، در همان آغاز، متوقف شد.^۵ علی احمد باکثیر از تجربه شعری‌اش به این نتیجه رسید که برخی بحور، مانند کامل، رجز و متدارک، افاعیل مشابه دارند که برای شعر آزاد مناسبند.^۶ محمد فرید ابوالحدید در ۱۹۲۷ م نمایشنامه کشتن سرورمان، عثمان را به شعر درآورد. در این نمایشنامه، «شعر مرسل» با «شعر آزاد» درآمیخت.^۷

پژوهنده در بیان این نمونه‌ها نشان می‌دهد که جنبش‌های نوگرایانه در شعر عربی،

۱. محمد الاعرجی، الصراع بین القديم و الجدید، ص ۳۴.

۲. همان، ص ۱۲۹؛ - ادونیس، پیش‌درآمدی بر شعر عربی، ترجمه کاظم برگ‌نسی، ص ۸۷.

۳. محمد الاعرجی، الصراع بین القديم و الجدید، صص ۳۷، ۳۸.

۴. بدر شاکر السیاب با علی احمد باکثیر مکاتبه داشته‌است. او در این مکاتبه‌ها اذعان می‌کند که باکثیر نخستین کسی است که شعر آزاد سروده‌است. - عبده بدوی، دراسات فی الشعر الحدیث، ص ۲۷۱؛ بدر شاکر السیاب،

مقدمه الادیوان، ۱ / ص «ک». همان.

۶. عبده بدوی، دراسات فی الشعر الحدیث، صص ۶، ۷، ۲۵۰.

۷. سالم معوش، الادب العربی الحدیث، ص ۶۴۴.

جداگانه و بدون هماهنگی رخ داده است. برای مثال مکتب «آپولو» از تجربه مکتب «الدیوان» استفاده نکرد؛ جمیل صدقی الزهاوی از تجربه رزق الله حسون در مسأله شعر مرسل اطلاعی نداشته و بهره‌ای نبرده است؛ عباس محمود عقاد هم از تجربه و نظریه خلیل مطران سودی نبرد. بدین صورت می‌بینیم که با وجود امکان استفاده از تجربیات دیگران، هر جنبشی راه حلی مجزا پیشنهاد می‌کرد. به نظر پژوهنده عدم هماهنگی میان این جنبش‌ها باعث به تعویق افتادن پیدایش شعر آزاد گردید.

پس از جنگ جهانی اول، تحولات و تغییرات سیاسی و اجتماعی بسیاری در جهان عرب رخ داد و این دگرگونی‌ها زمینه بروز و پیدایش شعر آزاد را فراهم آورد. در مصر قیام‌های ملی به وقوع پیوست؛ در عراق (۱۹۲۰ م) قیام ملی مسلحانه‌ای بر ضد استعمار بریتانیا رخ داد؛ در سوریه (۱۹۲۵ م) جنبشی ملی پدید آمد و در لیبی عمر مختار قیام کرد. به عنوان اسباب و انگیزه‌هایی برای این تغییر و تحول و پیدایش شعر آزاد در جهان عرب افزون بر جنگ جهانی اول و دوم و پیامدهای آن‌ها، مفاهیم دیگری هم قابل بررسی است همچون جریان‌های مختلف در جامعه عربی و نیز نگاهی تازه به جهان تلاش برای بهره‌مند شدن از تجربه جهانی.^۱

بدین ترتیب ناقدان ادبی به این نتیجه رسیدند که شاعر معاصر نمی‌تواند تجربه خویش را در شکل قصیده سنتی نشان دهد، پس برای بازتاب این تجربه باید از شکل جدیدی استفاده کرد. در چهارچوب این تجربه، عرب‌ها با شعر ملل دیگر به ویژه شعر انگلیسی آشنا شدند. آن‌ها که از شعر کلاسیک بیزار بودند و آن را درباری می‌دانستند، تلاش کردند تا همانند شعر انگلیسی بسرایند.

در توضیح پیدایش شعر آزاد، چند نظریه رایج است. یکی از این دیدگاه‌ها که برخی از ناقدان عرب مانند کفرای، انس داوود و محمود الریعی آن را مطرح کرده‌اند و با دیدگاه بعضی از ناقدان غربی مطابقت دارد این است که شعر آزاد که در ادبیات انگلیسی و به وسیله الیوت آغاز شده بود،^۲ بعدها شعرای عرب از آن پیروی کردند و ایشان الیوت را به عنوان سرمشق و نمونه خود برگزیدند. چنان که «السیاب»، بنیان‌گذار شعر آزاد عربی، نیز می‌گوید: شیلی، کیتس و سپس الیوت از شاعرانی هستند که در من اثر

۱. همان، ص ۶۳۴.

۲. محمد بلحاج می‌گوید که شعر آزاد در فرانسه و به وسیله لامونتینی و سپس گوستاو آغاز شده است.

دیدگاه دیگر بیان‌گر آن است که تقلید از ادبیات اروپایی مردود است و پیدایش شعر آزاد به تلاش‌های نوپردازانه در قصیدهٔ عربی که از دورهٔ عباسی شروع شده‌است، باز می‌گردد. ابراهیم عریض، یوسف عزالدین و احمد مطلوب از نظریه‌پردازان این دیدگاه هستند. اما غالی شکری با این دیدگاه مخالف است و اعتقاد دارد که پیدایش شعر آزاد، رابطه‌ای با تأثیرپذیری از تحولات قصیدهٔ عربی ندارد.^۲

در هر حال تحولات شعر آزاد عربی بعد از جنگ جهانی دوم به اوج خود رسید و وارد مرحلهٔ جدیدی شد. شعر آزاد نخستین بار توسط بدر شاکر السیاب در ۱۹۴۶ م سروده شده‌است؛ به همین سبب او را پدر شعر آزاد در ادبیات عرب نامیده‌اند. دکتر شفیع کدکنی در زمینهٔ بنیان‌گذاری شعر آزاد عربی و مؤسس آن می‌گوید: «تقریباً همهٔ ناقدان و شاعران معاصر عرب، این نکته را پذیرفته‌اند که السیاب پیشوای مسلم شعر جدید عرب است... همه او را نخستین شاعر متجدد عرب به شمار آورده‌اند. در گفت و گویی که من با شاعران و ناقدان معاصر عرب داشتم، دیده‌ام که همه متحدالقول‌اند که باید نخستین فصل تاریخ شعر جدید عرب را بعد از جنگ جهانی دوم به نام بدر شاکر السیاب نوشت و بر روی هم او را یکی از سه شاعر بزرگ نسل خودش به شمار آورد.»^۳ این سه شاعر بزرگ عبدالوهاب البیاتی، نازک الملائکه و بدر شاکر السیاب‌اند.

بدر شاکر السیاب یک سال پس از نخستین قصیدهٔ خویش به سبک آزاد، دیوان گل‌های پژمرده را در مصر به چاپ رساند. در حاشیهٔ قصیده‌ای از این دیوان با عنوان «آیا عشق بود؟» که ذیلاً درج می‌شود، چنین نوشته شده‌است: «شعری است در اوزان و قوافی مختلف.»^۴

۱. سالم معوش، الادب العربی الحدیث، ص ۶۴۸.

۲. غالی شکری، شعرنا الحدیث الی آین، ص ۸۵.

۳. شفیع کدکنی، شعر معاصر عرب، صص ۱۳۲ و ۱۳۳؛ ← یحیی شامی، موسوعة الشعراء العرب، ۳ / ۸۹.

۴. بدر شاکر السیاب، مقدمة الديوان، ۱ / ص «ل».

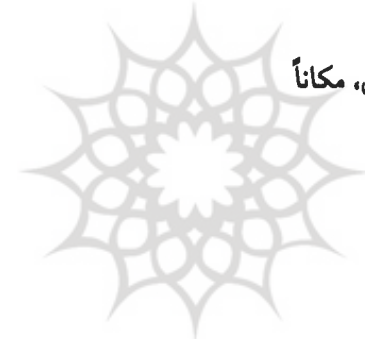
هل كان حباً

هل تُسمِّين الذي ألقى هياماً؟
أم جنوناً بالأمانى؟ أم غراماً؟
ما يكون الحبُّ؟ نوحاً وابتساماً؟
أم حُفوقَ الأضلعِ الحرِّى، إذا حان التلاقي
بين عينينا، فأطرقت، فراراً باشتياقي
عن سماءٍ ليس تسقيني، إذا ما؟
جئتها مستسقياً، إلا أواماً.

العيون المحور، لو أصبحنَ ظلاً في شرابي
جفَّت الأقداحُ في أيدي صحابي
دون أن يَحْضِينَ حتى بالحباب
هيبي، يا كأس، من حافاتك السكرى، مكاناً
تتلاقى فيه، يوماً، شفتانا
في خفوقٍ و التهابٍ
و ابتعادٍ شعاعٍ في آفاقه ظلُّ اقتراب.

كم تمنى قلبي الملكوم لو لم تستجيبى
من بعيدٍ للهوى، أو من قريب؛
آه لو لم تعرفي، قبل التلاقي، من حبيب!
أى نفرٍ مس هاتيك الشفاها
سكاباً شكواه آها... ثم آها؟
غير أني جاهل معنى سؤالي عن هواها؟
أ هو شيء من هواها يا هواها؟

أحسدُ الضوء الطروبا
موشكاً، مما يلاقي، أن يذوبا
في رباطٍ أوسع الشعر التثاما،



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

السَّاءُ الْبَكْرُ مِنْ أَلْوَانِهِ أَنَا وَ أَنَا
 لَا يُئِيلُ الطَّرْفَ إِلَّا أَرْجُونَا
 لَيْتَ قَلْبِي لِحَمَّةٍ مِنْ ذَلِكَ الضَّوِّ السَّجِينِ؛
 أ هُوَ حَبٌّ كُلُّ هَذَا خَبْرِي؟!۱

(۱۹۴۶/۱۱/۲۹م)

در نگاهی گذرا ملاحظه می‌شود که این قصیده از چهار بند یا مقطع تشکیل شده که وزن آن «فاعلاتن، فاعلاتن» در بحر رمل است. در واقع، السیاب از افاعیل عروضی خلیل بن احمد که مبتنی بر وجود سه رکن عروضی در هر مصراع بود عدول کرده؛ بر همین مبنا برخی از سطرهای این شعر از دو رکن و بعضی دیگر از چهار رکن عروضی تشکیل می‌شود، بدون این که هیچ نظمی بر آن حاکم باشد. با نگاهی به قافیه می‌بینیم که سطرهای اول، دوم و سوم از بند اول با سطرهای شش و هفت از همین بند، هم قافیه است؛ شیوه‌ای که در بندهای دیگر حکم فرما نیست، اما در بند دوم، سطرهای اول، دوم و سوم با سطرهای شش و هفت هم قافیه و سطرهای چهارم و پنجم نیز با یکدیگر هم قافیه هستند. در بند سوم سطرهای اول، دوم و سوم با یکدیگر، و سطرهای چهارم، ششم و هفتم با هم، قافیه یکسان دارند. اما سطر پنجم با هیچ کدام از دیگر سطرهای آن هم قافیه نیست و در بند چهارم تنها سطر سوم با سطر دیگری از این بند هم قافیه نیست. در این قصیده السیاب از رکن‌های عروضی بحر رمل بدون شیوه‌ای خاص استفاده کرده و نیز وزن و قافیه را در قصیده سنتی بر هم زده است.

کوتاه سخن این که بدر شاکر در این قصیده به خود اجازه داد، تا از شمار مختلف رکن‌های عروضی بدون هیچ نظمی بهره‌مند گردد^۲ و توانست قصیده را که بر دو رکن اصلی وزن و قافیه تکیه دارد بشکند و افاعیل عروضی را جایگزین آن‌ها کند.

ناقدان دربارهٔ مسئلهٔ بنیان‌گذاری شعر آزاد اختلاف دارند. بدر شاکر السیاب، عبدالوهاب البیاتی و نازک الملائکه هر کدام مدعی هستند که بنیان‌گذار و مؤسس شعر آزاد بوده‌اند. نازک الملائکه کتابی با عنوان قضا یا الشعر المعاصر نگاشت و در آن خود را نخستین سرایندهٔ شعر آزاد عربی نامید. وی می‌گوید: «پیدایش شعر آزاد در ۱۹۴۷ م در

۲. همان، مقدمه، ۱ / ص «ع، ف».

عراق بوده و اولین قصیده آزاد، قصیده من است که عنوانش «کلرا» است.^۱ سپس توضیح می‌دهد که «این قصیده را در تاریخ ۲۷/۱۰/۱۹۴۷ م به رشته نظم درآورده و در همان سال در مجله العروبة که در بیروت انتشار می‌یافت، به چاپ رسانده‌ام».^۲

اگر چه عراق، مصر و لبنان در پیدایش شعر آزاد سهم بسزایی داشتند اما اردن هاشمی نیز تلاش‌های جالب توجهی در متحول کردن قصیده عربی انجام داد؛ «مصطفی وهبی التل»، ملقب به «عرار» و شاعر بزرگ اردن، به شعر آزاد اهتمام می‌ورزید. او از جمله کسانی بود که قبل از السیاب و نازک‌الملائکه شعر آزاد سرود. همچنین در کنار وی می‌توان از علی احمد باکثیر، لوئیس عوض و محمد فرید ابوحدید نام برد؛ خانم نازک‌الملائکه در قضا یا الشعر المعاصر به این مسأله اشاره کرده و می‌گوید: «... سپس فهمیدم که چندین قصیده آزاد از سال ۱۹۳۲ م در مجله‌های ادبی به چاپ رسیده‌است و نام برخی از این شعرا این‌هاست: علی احمد باکثیر، محمد فرید ابوحدید، محمود حسن اسماعیل و عرار، شاعر اردن و لوئیس عوض».^۳

با همه این اوصاف، عملکرد السیاب به عنوان نقطه عطفی در تاریخ تحولات قصیده عربی به شمار می‌آید؛ شاعری که به خود چنین اجازه‌ای داد تا بندهای اوزان و قوافی شعر کلاسیک را بشکند و از افاعیل عروضی گام فراتر نهد و به رکن عروضی که پایه و اصلی اساسی در شعر آزاد شمرده می‌شود توجه و اهتمام خاص ورزد و آن را جایگزین بیت در قصیده سنتی کند؛ از همین رو او را مؤسس و بنیان‌گذار شعر آزاد می‌خوانند.

به هر حال می‌توان گفت شعر آزاد تا پیدایش و ظهور خود از چندین مرحله گذر کرده که این مراحل به شرح زیر است:^۴

۱. مرحله توجه و اهتمام شاعران عرب به مضمون و نوپردازی در آن.
۲. مرحله توجه و اهتمام شاعران عرب به مضمون و شکل.

۱. نازک‌الملائکه، الدیوان، ۱ / ۱۴۳.

۲. نازک‌الملائکه، قضا یا الشعر المعاصر، ص ۳۵.

۳. همان، ص ۱۴، ۱۷؛ - مصطفی وهبی التل، عشیات وادی الیابس، به کوشش زیاد زعیبی، ص ۶۵؛ عبدالفتاح

نجار، حركة الشعر الحر فی الاردن، ص ۱۹.

۴. سالم معوش، الادب العربی الحديث، صص ۶۴۰، ۶۴۱.

۳. مرحله نوآوری نزد شاعران مکتب آپولو.

۴. مرحله پیدایش شعر آزاد.

شایان ذکر است که شعر آزاد عربی به چند نام دیگر نیز شناخته می‌شود مانند «شعر مطلق»، «شعر افاعیل عروضی»، «شعر مرسل» و «شعر نو»، اما «شعر آزاد» از شهرت بیش‌تری برخوردار است.

اگرچه شعر آزاد به طور رسمی از عراق شروع شد، اما به تدریج تحول و پیشرفت کرد و به همه جهان عرب گسترش یافت. شاعران برجسته شعر آزاد در جهان عرب:

۱. عراق: بدر شاکر السیاب، نازک‌الملائکه و عبدالوهاب البیاتی.

۲. سوریه: ادونیس، نزار قبانی و سلیمان عیسی.

۳. لبنان: خلیل الحاوی و یوسف الخال.

۴. اردن: عبدالرحیم عمر، تیسیر السبول و حیدر محمود.

۵. فلسطین: محمود درویش، سمیح القاسم و فدوی طوقان.

۶. مصر: صلاح عبدالصبور و احمد عبدالمعطی حجازی.

۷. سودان: محمد الفیتوری و محیی‌الدین الفارس.

یادآوری می‌شود که دیری نباید تا نوع دیگری از شعر در جهان عرب پدیدار گشت که به نام «قصیده نثر» یا «شعر نثر»^۱ خوانده می‌شود؛ این نوع شعر که در ادبیات فارسی مشابه دارد، به نام «شعر سپید» و «شعر منثور» خوانده می‌شود.

تحولات قصیده فارسی

همان‌گونه که در پیدایش شعر عربی و آغاز آن ابهام و پیچیدگی وجود دارد ظهور شعر فارسی نیز این‌گونه است. اگر چه به طور یقین پیش از سده سوم قمری شعر فارسی وجود داشته‌است، اما شاهد و مدرکی در دست نداریم که به وضعیت آن اشاره‌ای کند. برخی کسان چون دکتر تفضلی و دکتر ابوالقاسمی اشاره کرده‌اند که شعر فارسی ریشه در پیش از اسلام دارد و به صورت شعر هجایی بوده‌است. این شعر به نام شعر مانوی و

۱. ← کمال خیر بک، حركة الحدائنة فی الشعر العربی المعاصر، ص ۹۵.

پارتی مشهور است و وزن آن ضربی یا تکیه‌ای است.^۱

به طور کلی نظم در ادبیات فارسی قبل از اسلام به صورت غیر عروضی بود. در نگاهی گذرا به آثار بازمانده از پیش از اسلام، درمی‌یابیم که نظم در اوستا وجود داشته؛ گاهان که جزوی از این کتاب به شمار می‌آید «منظوم به نظم هجایی است». در نظم هجایی تعداد هجاهای هر بیت، بدون در نظر گرفتن ترتیب^۲ هجاها، اساس نظم است.^۳ لیکن شعر فارسی بعد از اسلام با تأثیرپذیری از شعر عربی، به ویژه قصیده کلاسیک (بر اساس دو پایه وزن و قافیه) شکل گرفته است.

با پیدایش شعر فارسی در سده سوم هجری، شاعرانی مانند محمد بن وصیف سگزی، بسام کرد و محمد بن مخلد سگزی ظهور کرده‌اند و نخستین اشعار عروضی پارسی را سروده‌اند. شعر فارسی «در اندک مدت یعنی تا آغاز قرن چهارم چنان به سرعت طریق تکامل پیمود که در آغاز این قرن یکی از بزرگ‌ترین شاعران جهان، یعنی فردوسی طوسی ظهور نمود.»^۴ قدیم‌ترین روایت درباره آغاز شعر فارسی، در کتاب تاریخ سیستان یافت می‌شود.

صاحب این کتاب تصریح می‌کند که محمد بن وصیف سگزی، نخستین شعر فارسی را سرود، سپس از بسام کرد و محمد بن مخلد سگزی نام می‌برد.^۵ اما عوفی (سده هفتم هجری) در لباب الالباب می‌گوید: «باید دانست که اول کسی که شعر فارسی گفت بهرام گور بود.»^۶ شمس قیس رازی نیز با محمد عوفی هم‌رای است؛ وی در المعجم فی معاییر اشعار المعجم که در اوایل قرن هفتم هجری تألیف شده می‌گوید: «ابتدای شعر پارسی به بهرام گور نسبت می‌کنند.»^۷ شایان ذکر است که از برخی کسان مانند ابو حفص حکیم بن احوص سغدی، عباس مروزی، حنظله بادغیسی، محمود وراق هروی، فیروز مشرقی و

۱. احمد تفضلی، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، ص ۳۴۸.

۲. در اصل تعداد که ظاهراً اشتباه چاپی است و باید «ترتیب» باشد یعنی ترتیب کوتاهی و بلندی هجاها مهم

نیست. ۳. محسن ابوالقاسمی، تاریخ مختصر زبان فارسی، ص ۲۵.

۴. ذبیح‌الله صفا، مختصری در تاریخ تحول نظم و نثر پارسی، ص ۹.

۵. تاریخ سیستان، ص ۲۰۹؛ ذبیح‌الله صفا؛ تاریخ ادبیات در ایران، ۱ / ۱۶۶.

۶. محمد عوفی، لباب الالباب، ۱ / ۲۰.

۷. شمس قیس رازی، المعجم فی معاییر اشعار المعجم، ص ۱۸۹.

ابوسیلک گرگانی به عنوان نخستین شاعران پارسی‌گوی نام برده می‌شود.^۱
اگر چه در مسأله پیدایش و آغاز شعر فارسی اختلاف نظر وجود دارد، اما تأثیر شعر
عربی بر ظهور شعر فارسی امری مسلم و بدیهی است.

پرسشی که در اینجا پیش می‌آید و به ذهن پژوهنده خطور می‌کند این است که شکل
شعر فارسی در نخستین صورت آن چگونه بود؟ آیا در آغاز مانند شعر عربی به صورت
قطعه قطعه بوده است؟ آغازگر شعر فارسی که بود؟ بدون شک پیدایش این شعر که در
دوره طاهریان و صفاریان به وجود آمده به صورت ابتدایی، ساده و تک بیت بوده است.
همچنین بیش تر ناقدان فارسی زبان متفق‌القولند که ابو عبدالله رودکی سمرقندی (د:
۳۲۹ق) ملقب به «استاد و سلطان شاعران» به عنوان پدر شعر فارسی است که خدمات
پر بار و ارزشمندی نسبت به این زبان شیرین ادا کرد تا توانست «شعر فارسی را از حالت
ابتدایی و ساده بیرون آورد؛ در انواع مضامین و اقسام مختلف از قبیل قصیده، غزل،
مثنوی، رباعی و ترانه وارد شد و از همه آنها پیروز بیرون آمد.^۲

پدر شعر فارسی در سال ۳۲۹ق دارفانی را وداع گفت، در این سال ستاره درخشان و
چراغ تابناک شعر فارسی ابوالقاسم فردوسی (۴۱۱ - ۳۲۹ق) دیده به جهان گشود.
فردوسی در روند تحولات شعر فارسی نقش بسیار عالی بر عهده داشت و توانست با
هوشیاری خویش به بهترین شیوه شعر فارسی را به وسیله شاهنامه که اثر پرآوازه‌ای در
تاریخ ادبیات فارسی شمرده می‌شود به کمال برساند.

در این قرن و اوایل قرن پنجم گروهی از شاعران همچون عنصری، فرخی و
منوچهری با شعر خویش، در پیشرفت قصیده فارسی و تکامل آن نقش مهمی ایفا کردند.
قصیده پارسی در این دوره از فصاحت، سادگی، روانی کلام و فکر و دور شدن از ابهام و
پیچیدگی و خیالات باریک برخوردار بود. مسأله قابل توجه دیگر در این دوره، تحول
اوزان شعری و تکامل آنهاست؛ چه محور شعر سهل تر شد و اوزان مطبوع تر و
دلنشین تر. باید گفت در این زمان، مسأله تنها تحول و پیشرفت مضمون قصیده بود.
بی شک شکل‌های دیگر شعر فارسی مانند غزل، مثنوی، رباعی وجود داشته است، اما
شاعران در اندیشه دگرگونی‌هایی در مضمون شعر بودند و نه شکل آن.

۱. ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات ایران، ۱/ ۱۷۲ به بعد؛ شبلی نعمانی، شعر العجم، ۱/ ۲۰.

۲. ذبیح‌الله صفا، مختصری در تاریخ تحول نظم و نثر فارسی، ص ۱۴.

در تحولات قصیده عربی دیدیم که قصیده از سه قسمت تشکیل می‌شود: تشبیب، وصف سفر و غرض اصلی آن که غالباً مدح است. رودکی در قصیده فارسی از این شیوه پیروی می‌کرد؛ در این زمینه دکتر صفا چنین می‌نویسد: «نخستین کسی که ساختن قصاید کامل و تمام را با تشبیب و مدح و دعا معمول کرد، رودکی است، و دیگران در این باب همه تابع او شمرده می‌شوند...»^۱ هر چند تحولات قصیده کلاسیک عربی نخست در مضمون و سپس در شکل روی داده‌است، تحولات قصیده کلاسیک فارسی بیش‌تر در حوزه مضمون و معنی بود، زیرا قالب‌های شعر فارسی مانند غزل، مثنوی، قطعه، رباعی، مسمط، ترکیب‌بند و ترجیع‌بند نیز وجود داشته‌است. از این رو شاعران پارسی‌گوی بر خلاف شاعران عرب، در فکر ایجاد تحول در مضمون قصیده بودند و نه شکل آن. البته فراموش نمی‌کنیم که تحولات قصیده فارسی متأثر از اوضاع سیاسی، اجتماعی و تاریخی نیز بود. مهم‌ترین عوامل تحول شعر فارسی به شرح زیر است:

۱. اوضاع سیاسی و اجتماعی

۲. شرایط ادبی و فرهنگی

۳. شخصیت فردی شاعر

۴. مخاطب.

در دوره سامانی قالب‌های شعر فارسی متنوع می‌شود، و افزون بر قالب‌های مشهور، مثنوی، رباعی و دو بیتی هم رواج پیدا می‌کند، اما قصیده از میان اقسام شعر از لحاظ اهمیت در مرتبه اول بود. زیرا قصیده‌سرایی با دربار ارتباط داشت. در ادامه این روند، در قرن هفتم و هشتم، در سبک عراقی، قصیده به تدریج به کنار رفت و غزل‌های عاشقانه و عارفانه جایگزین آن شد.

شایسته ذکر است که شعر مدحی بر خلاف شعر تغزلی در معرض تغییر و تحول قرار گرفت، زیرا دربارها عوض می‌شود، اما احساسات و عواطف هرگز عوض نمی‌شود. مسأله مهم این است که قصیده به عنوان مهم‌ترین قالب شعر فارسی در سبک خراسانی شمرده می‌شد و در درجه اول اهمیت قرار داشته و بیش‌تر از دیگر قالب‌ها مورد توجه و

۱. ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ۱ / ۳۶۸.

اهتمام گویندگان بود.^۱ اما در سبک عراقی این جایگاه را از دست داد و در دوره تیموری نیز رواج و اعتبار چندانی نداشت.

نزدیک شدن شعر فارسی به زبان عمومی در قرن نهم و دوری از دربار را می‌توان به عنوان مقدمات ظهور و پیدایش سبک هندی به شمار آورد که محور تحولات آن در حوزه مضمون بود. این سبک به بر آوردن مضامین تازه، دقت خیال، رقت احساسات و تصورات دور از ذهن تکیه دارد.

بر خلاف دوره صفوی که به عنوان دوره انحطاط ادبی شمرده می‌شود، در دوره قاجار که دوره بازگشت ادبی و پیشرفت ادبیات فارسی محسوب می‌گردد، نهضتی در شعر فارسی بر ضد سبک هندی پدید آمد. این نهضت به احیای سبک عراقی و رها کردن سبک هندی اعتقاد داشت.

دوره معاصر در ادب فارسی با دوره مشروطیت آغاز می‌گردد. در این زمان دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایرانی موجب شد تا اوضاع جامعه ایران تغییر کند و این افکار تازه نیازمند شکل‌های تازه بود. در این دوره که به عنوان دوره تحول و انقلاب ادبی در تاریخ ادبیات فارسی معاصر شمرده می‌شود؛ تحولات در شعر، داستان کوتاه، رمان و نمایش‌نامه روی داد و بحث انتقادی در باب شعر کلاسیک، زمینه‌ای برای پیدایش شعر نو به وجود آورد که در شعر شاعرانی مانند بانو شمس کسمایی، ابوالقاسم لاهوتی و جعفر خامنه‌ای، به ویژه در نحوه نوشتن و تقطیع مصراع‌ها روی نمود.^۲

سرانجام شعر نو به وسیله نیما یوشیج (علی اسفندیاری) شکل خاص خود را پیدا کرد. نیما یوشیج در ادبیات فارسی به عنوان بنیان‌گذار و مؤسس شعر آزاد، بدون رقیب شمرده می‌شود. وی با هوشیاری خویش توانست قیده‌های قصیده کلاسیک را بردارد، وزن و قافیه را بشکند، همچنین شعر فارسی را در معنی و محتوا متحول گرداند و گونه‌ای وزن عروضی جدید را به نام عروض یا سبک نیمایی ایجاد کند.

نیما ابتدا مانند بدر شاکر السیاب - بنیان‌گذار و مؤسس شعر آزاد در ادبیات عرب مدتی طولانی به سرودن شعر کلاسیک مشغول بود. سرانجام منظومه افسانه را در

۱. محمد حقوقی، ادبیات امروز ایران، ۲ / ۳۷۷؛ زین العابدین مؤتمن، تحول شعر فارسی، ص ۱۲۰.

۲. محمد حقوقی، ادبیات امروز ایران، ۲ / ۳۸۵؛ زین العابدین مؤتمن، تحول شعر فارسی، ص ۱۹۷.

۱۳۰۱ ش سرود که به عنوان مقدمه‌ای بر شعر نیمایی به حساب می‌آید. وی این منظومه را به استاد خویش نظام وفا تقدیم کرده‌است، در این مقدمه چنین آمده: «اما یگانه مقصود من همین آزادی در زبان و طولانی ساختن مطلب بوده‌است... چیزی که بیش‌تر مرا به این ساختمان تازه معتقد کرده‌است، همانا رعایت معنی و طبیعت خاص هر چیز است... خواهی دانست این قدم پیشرفت اولی برای شعر ما بوده‌است... تفاوت این ساختمان را با ساختمان‌های کهنه بشناسی.»^۱

افسانه که نخستین نوآوری نیما شمرده می‌شود، تفاوت کمی با شعر کلاسیک دارد؛ زیرا مجموعه‌ای چهار پاره است و نوآوری نیما در این منظومه عدم التزام به رعایت قافیه‌بندی در همهٔ بندها و به کارگیری مضامین و موضوعات اجتماعی به شکل نمادین بود،^۲ همچنین میان بندها، یک مصراع فاصله انداخت.

نیما با سرودن قنوس در ۱۳۱۶ ش و برداشتن قافیه و تغییراتی در وزن شعر فارسی را وارد مرحلهٔ جدیدی کرد.

ده سال پس از نیما یوشیج بود که بدر شاکر السیاب در قصیدهٔ کلاسیک عربی تحولی ایجاد کرد و شعر آزاد را برای نخستین بار با موفقیت تجربه کرد.



۱. نیما یوشیج، مجموعه شعرهای نو، غزل، قصیده، قطعه، صص ۲۷۷، ۲۷۸.

۲. ← تقی پورنامداریان، خانه‌ام ابری است، ص ۷۶؛ محمدجعفر یاحقی، جویبار لحظه‌ها: ادبیات معاصر

فارسی نظم و نثر، ص ۴۴.



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انسانی